

« طب شیعه »

میراث کرانه‌های اسلام
(کوشش نوین به تاریخ تحول طب اسلامی و سنتی)

تألیف:

دکتر محمد دریایی

(مختص علوم زیستی و گیاهان دارویی)



سرشناسه	: دریایی، محمد رسول، ۱۳۳۰
عنوان و نام پدیدآور	: طب شیعه میراث گرانیهای اسلام: (نگرشی نوین به تاریخ تحول طب اسلامی و سنتی) تألیف محمد دریایی
مشخصات نشر	: تهران: سفیراردهال، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۶۴۴ص: جدول.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۶۸-۴۸-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: نگرشی نوین به تاریخ تحول طب اسلامی و سنتی
موضوع	: پزشکی اسلامی -- تاریخ
موضوع	: پزشکی سنتی
رده بندی کنگره	: R ۱۴۳/د۴ط۲ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی	: ۶۱۰/۹۱۷۶۷۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۸۱۳۵۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۶۸-۴۸-۰



تهران: خیابان مفتح، خیابان سمیه، روبه روی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴
طب شیعه، میراث گرانیهای اسلام (نگرشی نوین به تاریخ تحول طب اسلامی و سنتی)

© حق چاپ: ۱۳۹۰، انتشارات سفیراردهال www.safirardehal.ir

نوبت چاپ: اول

نویسنده: دکتر محمد دریایی

صفحه آرا: آرسا کو

طراح جلد: احمد آقا قلی زاده

چاپ: عترت - صحافی: تندیس - لیتوگرافی: نقش سبز

شمارگان: ۱۱۰۰

شماره نشر: ۱-۱۳۴

کاغذ: تحریر اندونزی ۷۰ گرمی

بها: ۱۲۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، اعم از زیوراکس و باز نویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستند نویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب



فهرست مطالب.....	۷
پیش گفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۳
بخش اول / در آمدي بر طب اهل بيت (عليه السلام).....	۲۵
فصل ۱ ضرورت نقد و پژوهش در طب اهل بيت (عليه السلام).....	۲۷
فصل ۲ نگاهی اجمالی به تاريخ طب.....	۶۳
فصل ۳ تاريخ طب در اسلام.....	۹۵
فصل ۴ آزاداندیشی و خودکفایی علمی پزشکان اسلامی.....	۱۴۵
فصل ۵ درخشش پزشکان شیعه در عرصه دانش طب.....	۱۸۷
فصل ۶ طب در دوران صفویه.....	۲۱۱
فصل ۷ نفوذ و گسترش طب اسلامی در جهان از دوران صفویه.....	۲۴۱
فصل ۸ بررسی برخی از ابعاد طب اسلامی.....	۲۶۵
فصل ۹ دوران رکود طب اسلامی.....	۲۹۷

فصل ۱۰	طب اسلامی و طب سنتی از دیدگاه غربی ها و ...	۳۲۵
فصل ۱۱	طب جدید (آلپاتی) در چالش با طب مکمل	۳۶۷
فصل ۱۲	کاستی ها و عدم توانمندی طب رایج	۳۷۹
فصل ۱۳	نگرش به بیماری ها در طب اسلامی و سنتی	۴۰۵
فصل ۱۴	روان درمانی مغفول در عصر تجدد	۴۱۷
فصل ۱۵	بهره‌مندی از شئون طب اسلامی و سنتی	۴۴۵
بخش دوم / میراث مکتوب طب شیعه		۴۵۵
فصل ۱۶	فهرست میراث مکتوب طب شیعه	۴۵۷
بخش سوم / ضمیمه ها		۵۶۵
فهرست تفصیلی مطالب		۵۶۷
فهرست منابع و مآخذ		۵۷۷
نمایه		۵۸۵

* * *



میراث گرانبهای اسلام

این کتاب پاسخی است به گوشه‌ای از شبهات مغرضانه فرقه ضالّه وهابیت، که بر قلمرو آسمانی شیعه و آموزه‌های حیات‌بخش آن یورش آورده و ناآگاهانه به حریم پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام جسارت می‌ورزند.

استعمار غربی برای از هم گسیختن وحدت مسلمانان و ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی، در دوران معاصر با اعزام مأموران ویژه‌ای از قبیلۀ جاسوسان ورزیده، همچون مستر همفری و انگیختن محمد بن عبد الوهاب در کانون أم‌الفرای اسلام، وحدت مسلمین را مورد هجوم قرار داد و فرقه «وهابیت» را ابداع نمود که امروز محصول آن، اسلام‌نمایی افراطی به نام «طالبان» و گروهک تروریستی «القاعده» — نماینده بی‌چون و چرای اسلام آمریکایی — که از یک سوی در راستای مخدوش ساختن چهره اسلام حقیقی زیر نقاب عملیات جاهلانۀ ترور و افراطی‌گری و از سوی دیگر ایجاد نفاق و شقاق و شبهه‌پراکنی در عرصه ارزش‌های شیعه و مظلومیت اسلام اعتدال و آیین معتدل و مذهب حقّ تشیع است. در این میان، مذهب تسنن نیز از آسیب‌های بی‌امان افراط‌گرایی فرقه وهابیت در امان نبوده و نیست، رهبران نحله‌های فکری و فقهی اهل سنت که خود را وام‌دار مدیریت فقهی — اعتقادی مکتب صادق آل محمد و مذهب جعفری می‌دانند، از رویکرد و عملکرد فرقه افراطی وهابیت نگران بوده و دغدغه سیطره سکولاریسم را در اندیشه دارند و در کتب معتبر خود،

ظهور این فرقه نامبارک را در لابلای متون روایی خود پی گرفته و سراغ دارند. روایتی است از پیامبر اکرم ﷺ که در صحیح بخاری (معتبرترین کتاب نزد اهل سنت) در محکومیت و ردّ وهابیت آمده است و در این روایت، رسول خدا ﷺ ظهور فرقه ضالّه وهابیت را در آخر الزمان پیشگویی فرمودند. روایت از این قرار است:

پیامبر ﷺ فرمودند: «خدایا، منطقه شام و یمن را بر ما مبارک گردان!» صحابه تا سه مرتبه سؤال کردند: «ای رسول خدا! پس منطقه نجد چه می‌شود؟» تا این که در مرتبه سوم حضرت فرمود: «سرزمین نجد به مرکز فتنه‌ها و ویرانی‌ها مبدل خواهد شد و شاخ شیطان نیز از همان جا ظهور خواهد کرد».

و نیز پیامبر ﷺ در روایتی دیگری فرموده‌اند:

«افرادی در مشرق زمین خواهند آمد که قرآن را تلاوت کرده اما هیچ فهم و تدبیری در آن نداشته و قرآن از گلوگاه آنان تجاوز نمی‌کند [به ژرفای وجود آنان نفوذ نمی‌کند] و از قرآن بهره‌ای نمی‌برند. این گروه همان گونه از دین خارج می‌شوند که تیر از کمان خارج شده و دیگر به کمان باز نمی‌گردند».

از پیامبر اعظم پرسیدند: «آیا در قیافه‌های این گروه نشانه ظاهری نیز هست؟» حضرت فرمود: «از نشانه‌های این گروه آن است که سرهای خود را می‌تراشند».

نهایتاً این که: احمد زینی دحلان مفتی مکّه مکرمه، با جمله زیر بر این نکته تصریح کرده که منظور از روایات مزبور، فرقه وهابیت امروز است. وی در کلامی می‌گوید:

«سر تراشیدن، از شاخصه‌های فرقه وهابیت است و این صفت در هیچ یک از فرقه‌های بدعت‌گذار قبل از وهابیت دیده نشده است».

با بررسی نشانه‌هایی که در این روایت و روایاتی از این دست دیده می‌شود و نیز با در نظر گرفتن نظریات و عقاید این فرقه که چونان یهودیان منحرف، حریص بر دنیا و ریاکار و سالوس‌اند و اگر هزار سال هم عمر کنند باز از عذاب الهی دور و در امان خواهند بود، به این نتیجه می‌رسیم که مراد از «شاخ شیطان» بی‌تردید، فرقه ضالّه وهابیت است؛^۱ هم آنانی که شیعه و سنی را فدای آمال دور و دراز خود ساخته و با عناد برآموزه‌های نجات‌بخش شیعه می‌تازند و بر این یاوه‌گویی‌ها و کژاندیشی و بدرفتاری بسنده نمی‌کنند؛ به اشاره اربابان صهیونیست و صلیبی خود، شیعیان بحوین و منطقه احسا و قطیف و نیز قلمرو یمن را به آتش و خون می‌کشند و با صرف هزینه‌های سنگین تبلیغاتی و نظامی، خود را به ورطه سقوط و هلاکت نزدیک‌تر می‌سازند.

این مجموعه پاسخی است منطقی و مستند به یاوه‌های رهبران وهابیت در مورد نقش بزرگ و کلیدی شیعه در بازآفرینی میراث گرانبهای اسلام راستین:

﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾

«به زودی ستمگران خواهند دانست که به کدامین پرنگاه ساقط و واژگون خواهند شد».

محمد دریایی

۱- «شاخ شیطان» تعبیری برگرفته از نام کتابی است با همین عنوان نگاشته حجت‌الاسلام سید مجتبی عصیری، در زمینه آداب مناظره با وهابیت که اخیراً انتشار یافته است.

به نام خالق علیم و حکیم

اینک مکتب دانش گستر شیعه، به مثابه یک ایدئولوژی توحیدی، در عرصه جهانی، مکتبی است معتدل، ایده آل که شاخص‌های فرهیختگی آن، ریشه‌های شجره طنبه تنومند تمدن و فرهنگ بشری را از سرچشمه خردورزی، سیراب می‌سازد. تبیین علمی «طب شیعه» نیز در همین راستا، حوزه‌های آکادمیک فرهنگ غرب را طی قرون متمادی، تعمیق و غنا و توان بخشیده است.

بازشناسی آثار و خدمات برجسته دانشوران نامدار و رجال طب شیعه در شاخه‌های گوناگون، بر پایه کوشش‌های آقا بزرگ طهرانی در «الذریعة الی تصانیف الشیعه» که در ۲۶ جلد بیش از ۵۴۰۰۰ عنوان از تألیفات شیعیان را معرفی و فراهم آورده که خود، دلیل دیگری بر اثبات عظمت حقیقت و حقانیت «شیعه» می‌باشد. دانشمندان شیعه به‌ویژه در عرصه‌های طب، به پیروی از آموزه‌های قرآن و تعالیم روشنگرانه ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، در مسیر تعلیم و تعلم دانش طب از متدلوژی علمی توحیدی و آیین دانشوری برخوردار بوده‌اند. آنان علوم طب و نجوم را در انسجام و ارتباط با وحی و علوم دینی دانسته و بنابراین براساس دکترین «العلم علما، علم الآدیان و علم الآبدان»، طبیعت را الگویی از عالم باطن یا مابعدالطبیعه تلقی می‌کردند. به تعبیری روشن، از دیدگاه ایشان، نیل به حقیقت با سیر از ظاهر به باطن امکان می‌یابد.

نمونه بارز تبلور چنین اندیشه‌ای در نظرگاه «جابر بن حیان»، شاگرد ممتاز و نامی مکتب امام صادق (ع) نمودار است. «جابر»، دانش کیمیا را فلسفه کامل طبیعت می‌دانست و از راه کشف رموز و تمثیلات عالم جماد و نبات به بیان حقایق عالم روح و ارتباط طبیعت و معنا پرداخته است.

طرفه این که دیگر دانشوران فرهیخته برجسته شیعه؛ همچون رازی، ابن سینا، جرجانی، فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی و خواجه نظام الملک، ملاصدرا و عقیلی شیرازی، هر یک به نوعی قائل به فلسفه تمثیلی طبیعت بوده‌اند. بر همین پایه، راهکارهای طبقه‌بندی آنها از علوم زمانه خود، بازتاب بصیرت و نگرش توحیدی است که در آن، اجزای هستی در منظومه‌ای به هم تنیده مشهود است.

تبیین نقش «طب شیعه» در شکل‌گیری و پیشرفت بهداشت، سلامت و فرهنگ صحت‌آحاد جامعه اسلامی، رسالتی ستروک بر دوش طلایه‌داران «طب ایرانی» است.

تلاش در قالب این مفهوم به معنای نادیده گرفتن سهم دیگران در برپایی پرچم رفعت فرهنگ و طب اسلامی نیست، بلکه کوششی است در جهت تفسیر برخی از ارزش‌های شاخص که رهپویان مکتب اهل بیت (ع) در این عرصه آفریده‌اند و در عین حال، بازتاب پاسخی است به برخی شبهه‌افکنی‌های تفرقه‌آمیز غرب‌زدگانی که وحدت علمی مکتب توحیدی را برنمی‌تابند.

در تاریخ تمدن و فرهنگ اسلام، شگفت آن که ایرانیان، سهم بزرگی در این میان دارند، همچنان که در کلیت تمدن عظیم اسلامی نیز ایرانیان، در مقایسه با سایر ملل مسلمان، نقش بیشتری ایفا کرده‌اند، نتایج کندوکاو تاریخ پزشکی غربی‌ها نیز نشان می‌دهد که مردم ایران به هویت دینی و ملی خود عشق ورزیده و مباحثات می‌کنند.

از جمله تلاش‌هایی که در تألیف این اثر ژرف و پژوهشی انجام گرفته، کاوش در تاریخ «طب شیعه و فرهنگ ایران در راستای علوم پزشکی» و در جهت یافتن ریشه‌های اشتیاق و مودت به *اهل بیت* و احیای تبعیت از دودمان پیامبر اعظم و حمایت از ایدئولوژی راسخ و انقلابی تشیع در میان ایرانیان بوده است. تمام نهضت‌های شیعی در طول تاریخ برخوردار از صبغه عدالت علی و حمایت از *مظلومیت اهل بیت* است. دشمنان اسلام و تشیع در تحلیل‌های خود، که چندان هم پنهان نبود، از نفوذ علمای شیعه و زنده نگه داشتن یاد و خاطره نهضت عاشورا و انتظار فرج در تشویش و نگرانی بوده و در راستای مقابله با آنها تلاش‌های مذبوحانه‌ای کرده‌اند که دقیقاً به منظور تضعیف ارکان ایدئولوژی توحیدی تشیع بوده است. در پروژه توطئه مشترک استعمار روس و انگلیس، برانگیختن میرزا علی محمد باب مدعی مهدویت که فردی متزلزل و معتاد به مواد افیونی بود، و نیز میرزا حسین علی بها، مدعی پیامبری و الوهیت و پناه گرفتن او در سفارت روس و روی کار آوردن رضاخان و مبارزه علی با نماز جمعه و جماعت، عزاداری محرم و حجاب و بستن مساجد و حسینیه‌ها، حمایت از قلم به مزدهایی همچون شریعت سنگلجی، احمد کسروی و تقی‌زاده همگی در راستای اهداف استعماری بوده که مفتضحانه منجر به ناکامی و شکست گردید.

دکتر ولایتی در مقدمه و زین خود بر کتاب «نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» می‌گوید:

«بی‌تردید، از همه تلاش‌ها و توطئه‌های آنها، گسترده‌تر، چالش و تقابل با اسلام و فرهنگ اسلامی ایران و تشیع و نفوذ علمای شیعه بود».

یکی از راه‌های استعمار برای مبارزه با اسلام ایرانیان، بها دادن اغراق‌آمیز به تاریخ ایران قبل از اسلام و نادیده گرفتن پس از آن و نیز زیر سؤال بردن تشیع

ایرانیان بود. ترغیب و تبلیغ ناسیونالیسم افراطی در میان ملت‌های مسلمان در جهان اسلام، نظیر *پان عربیسم*، *پان ترکیسم*، *پان ایرانیسم* و *پان هندونیسم*، شیوهٔ سیاسی استعمارگران در کل جهان اسلام بود و برای جلوگیری از وحدت مجدد مسلمانان و التیام این زخم‌های عمیق پیکرهٔ امت اسلامی، استخوان لای زخم آنها گذاشتند و صهیونیسم را در خاورمیانه و کشمیر را در شبه‌قارهٔ هند طراحی کردند.

تقابل آنها با «تشیع» منحصر به ایران نبود؛ زیرا ملت عراق هم بعد از شکست عثمانی به دلیل تبعیتشان از فتوای جهاد مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی بر علیه اشغالگران انگلیس، هزینهٔ سنگینی پرداخت کردند. دو نمونهٔ بارز از اقدام آنها علیه شیعیان در خارج از ایران را می‌توان در تاریخ عراق و حجاز مشاهده کرد.

استعمار انگلیس در عراق به رغم اینکه اکثریت مردم، شیعهٔ اثنی عشری بودند، حاکمیت آن را به دست اقلیت عرب غیرشیعه داد. تا هم پاسخی به قیام شیعیان در سال ۱۹۲۰ با پیشوایی مرحوم میرزا قاسم داده باشد و هم مرکزیت و تأثیرگذاری تاریخی کربلا و نجف را در جهان تشیع از میان ببرد. در حجاز هم حکومت شریف حسین شیعه را به دست سلفی‌های افراطی نجد (وهابی) سرنگون کردند.

در داخل ایران اما از دو طریق با تشیع مبارزه کردند: ترور شخصیتی و فیزیکی علمای شیعه؛ مانند به دار آویختن مجتهد بزرگ شیعه، مرحوم شیخ فضل الله نوری که هم واسطهٔ اصلی ابلاغ و اجرای پیام مرحوم میرزا شیرازی (میرزای اول) در تحریم تنباکو بود هم بانی اصل دوم متمم قانون اساسی، معروف به اصل طراز اول، که براساس آن پنج تن از مجتهدین طراز اول شیعه باید مصوبات مجلس را با موازین شرعی تطبیق می‌کردند.

طریق دیگر، مبارزه علیه مبانی تشیع بود و به این منظور شمشیر را به دست رضاخان و قلم را به دست امثال شریعت سنگلجی و احمد کسروی دادند. رضاشاه حسینیه‌ها را می‌بست و جماعت‌ها را تعطیل می‌کرد و احمد

کسروی به نام پاکدینی، تشیع را ساخته و پرداخته صفویه قلمداد می‌کرد و جشن کتاب‌سوزان به راه انداخته بود و «مفاتیح الجنان» آتش می‌زد.

بقایای نواصب و خوارج هم در جهان اسلام نهایت سوء استفاده را کردند؛ مثلاً احمد امین مصری در کتاب‌های خویش، «ضحی الاسلام و فجر الاسلام» در اساس، منکر خدمات عظیم تشیع و علمای شیعه به اعتقادات و فرهنگ و تمدن اسلامی شد.

بزرگانی چون میرحامد حسین هندی، علامه امینی، علامه شرف‌الدین، آقا بزرگ طهرانی، سیدمحسن جبل عاملی، و مرحوم سیدحسن صدر تلاش‌های بسیار ارزشمندی در جهت اثبات حقانیت شیعه و نقش علمی شیعه در تاریخ اسلام کردند...

ملت ایران، آگاهانه از همان ابتدای ظهور اسلام و ورودش به ایران پیروی از اهل بیت (ع) را برگزیدند و در این راه فداکاری‌ها کردند و خون‌ها دادند و در عمل، صدق کلام رسول خدا (ص) را نشان دادند که اگر علم در ثریا باشد به آن دست پیدا خواهند کرد و در طول تاریخ پرفراز و نشیب اسلام، پناهگاه سادات علوی و حامی مذهب ائمه معصومین (ع) بوده‌اند.

بزرگانی چون جابر بن حیان، شیخ رئیس ابوعلی سینا، حکیم ابوالقاسم فردوسی، شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، خواجه شمس‌الدین محمد حافظ، و مولانا عبدالرحمن جامی همگی قبل از صفویه بودند که یا شیعه بودند و یا متشیع ...

بعد از ورود اسلام به ایران، کشور ما هم بخشی از قلمرو یکپارچه جهان اسلام با مرکزیت ابتدا مدینه و سپس کوفه، دمشق و نهایتاً بغداد شد و تمامی امرا و حکومت‌های محلی، حداقل به ظاهر، تابع مرکزیت جهان اسلام بودند و مشروعیت

خویش را از آنجا کسب می‌کردند. مظلالم بنی‌امیه موجب شد که ایرانی‌ها، به حمایت از ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، علیه آنها شوریدند، اما پس از چندی فریب بنی‌عباس را خوردند و پس از مدتی مجدداً به خود آمدند و حکومت‌هایی را مستقل از بغداد تشکیل دادند: نظیر صفاریان، سامانیان و آل بویه. اما وجود حکومت‌هایی نظیر غزنویان و سلجوقیان، مانع از یکپارچگی مجدد ایران شد. محمد خوارزمشاه در صدد حمله به بغداد بود که با تحریکات پاپ و خلیفه با هجوم مغول مواجه شد.

پس از فرونشستن گرد و غبار ایلغار مغول، با تدبیر بزرگانی از ایران، نظیر خواجه نصیرالدین طوسی، بساط حکومت سراسر جور بنی‌عباس برچیده شد.

سرانجام، مردم ایران توانستند به تدریج به هویت اصلی خویش برگردند. در این دورهٔ برزخ بین سقوط حکومت بنی‌عباس (۶۵۶ ه.ق.) و تاج‌گذاری شاه اسماعیل صفوی در تبریز (۹۰۷ ه.ق.)، زیرپوست تحولات و آشوب‌ها، موضع تاریخی مردم ایران در حمایت از اهل بیت علیهم‌السلام تقویت شد و این گرایش به اهل بیت در جای جای جغرافیای فرهنگی ایران، خود را نشان داد. تعداد بسیاری از شعرا، عرفا، فقیهان، و عیاران از پوست تقیه بیرون آمدند و عقاید واقعی خود را، که یا شیعی بود و یا ارادت خالصانه به اهل بیت علیهم‌السلام بروز دادند. سعدی که دست به دامن اولاد حضرت فاطمه علیها‌السلام می‌زند؛ حافظ که پیروان خاندان پیامبر را مستوجب بدرقهٔ همت امیر نجف می‌داند، امیر علیشیر نوائی که ایوان حضرت رضا علیه‌السلام را می‌سازد...

و سلسلهٔ شیعی سربرداران در سبزوار تأسیس حکومت می‌کند، شهید اول کتاب «لمعة الدمشقية» را تقدیم پادشاه سربداری می‌کند. «سلطان حسین بایقرا» برای شفای خویش متوسل به «حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام» می‌شود و

آق قویونلوها رو به تشیع می‌آوردند... شواهد بسیاری بر ارادت ایرانیان به تشیع، پیش از بر سر کار آمدن صفویه، در دست است.^۱

بیش از هشت هزار بقعه مربوط و یا منسوب به مقابر سادات علوی در ایران وجود دارد که این تعداد بیش از تمامی بقاع موجود این خاندان مطهر در کل جهان اسلام است و اغلب آنها به اعصار قبل از صفویه تعلق دارد. ایرانیان دو سلسله جور را سرنگون کردند: ابتدا بنی‌امیه را با «شعار الرضا من آل محمد» در سال ۱۳۲ ه.ق. پس از یک ماه عزاداری برای یحیی بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام، ساقط نموده و سپس بنی‌عباس را با تدبیر یکی از عالمان بزرگ شیعه، خواجه نصیرالدین طوسی و شمشیر ایلخانان مهارشده ساقط کردند. مؤلفان کتب اربعه شیعه (اصول کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار) همگی ایرانی و متعلق به قرون اولیه هجری بودند. ایران سرچشمه اصلی عرفان اسلامی و نهضت فقیان بود که هر دو، پیوندهای عمیقی با تشیع داشتند. زیرا هیچ عارفی نیست که امیرالمؤمنین علی علیه السلام را انسان واصل، کامل و مراد خود نداند و آرزو نکند که حتی اگر شده، در خواب از دست آن بزرگوار خرقه بپوشد و هیچ جوانمردی نبوده که در حسرت این نباشد که سراویل فتوت را در برابر بارگاه مولای متقیان در جحف اشرف نپوشد...

از همان قرن اول هجری مهاجرت برخی اقوام، طوایف و قبایل عرب، به‌خصوص علویان و شیعیان، از سرزمین حجاز به ایران آغاز شد. از قرن دوم و سوم هجری به بعد تعدادی از قبایل آسیای مرکزی به مناسبت‌ها و اشکال گوناگون به کشور ما آمدند و در این سرزمین ساکن شدند. طرفه این که فرهنگ قوی ایران پدیده‌های جدید را با صبر و متانت، هضم و جذب نمود و در ضمن از آنان تأثیر پذیرفت.

۱- شیعه از زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مطرح بوده است و رسول خدا در خطابه‌های گوناگون با واژه‌ها و فرازهایی مانند «یا علی انت و شیعتک...»، امیرالمؤمنین علی علیه السلام را مفتخر می‌فرمود.

ورود فرهنگ‌های وارداتی موجب تضعیف و کم رنگ شدن هویت ایرانی نشد و به تعبیر دیگر می‌توان گفت که ایرانیان مسلمان شدند، اما عرب نشدند؛ در حالی که جنوب و شمال خاورمیانه، مصر و کل مناطق شمال و شمال شرقی آفریقا عملاً فرهنگ عربی را پذیرفتند. تمدن و فرهنگ‌های سریانی، مصری، بربری، حتی شبه جزیره ایبری در پی غلبه امویان، فرهنگ عربی و بعضاً رسومات اموی را قبول کردند. با وجود این که ادریس بن عبدالله بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام در مغرب اقصی، حکومتی علوی تشکیل داد، اما بعداً تحت تأثیر حکومت امویان اندلس خُلُق و خوی اموی رایج گردید و تا عصر ما ادامه دارد. مثلاً روز دهم محرم هر سال (عاشورا) را عید می‌دانند و لباس نو می‌پوشند ... [که خود حاکی از غفلت و انحراف از مفهوم اصیل ولایت و نهادگی فرهنگی در قرون متمادی است].

ایرانیان، اسلام اهل بیت علیهم السلام را پذیرفتند، اما عرب بودن جاهلی اموی را نه تنها نپذیرفتند که پرچم‌های سیاه را برافراشتند و بنی‌امیه را در سال ۱۳۲ ه. ق. سرنگون کردند. قبل از آن نیز، در سال ۶۶ ه. ق. در قیام مختار بن ابی عبید ثقفی (ره) شرکت کردند؛ به طوری که محمد بن اشعث، که از جلو لشکریان مختار از کوفه گریخته و به نزد مصعب بن زبیر در بصره رفته بود، از کثرت ایرانیان لشکر مختار گله می‌کرد. در تواریخ معتبر از حضور حمرا و موالی و عجم، که کنایه از ایرانی‌هاست، در لشکر مختار نام برده‌اند.^۱ به هر حال، توانمندی فرهنگ ایران زمین مانع از نابودی هویت ایرانی شد، اما از سوی دیگر این فرهنگ انعطاف‌پذیر است و جمود و خشکی فرهنگ‌های دیگر را ندارد و به راحتی عناصر مثبت معنوی دیگر فرهنگ‌ها را جذب و هضم می‌کند. فرهنگ ایرانی، زبان دری با مبدأ سغدی و خوارزمی قبل از اسلام را با کلمات عربی و بعداً ترکی و حتی مغولی غنی کرد و این کار چنان با ظرافت

۱- کیاست و مدیریت در انتقام از قاتلان خیث و جلادان بنی‌امیه در کشتار وحشیانه فرزندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امام برحق شیعه و اسلام راستین، موجب تقویت بنیان شیعه و شادکامی اهل بیت علیهم السلام گردید.

انجام شده که اصل ساختار زبان فارسی آسیبی ندیده است. چنان که یک دانش‌آموز به راحتی می‌تواند نثر *الابنیه عن الحقائق الاویه* ابومنصور موفق‌الدین علی هروی، به خط *اسدی طوسی*^۱ و اشعار *رودکی* (قرن چهارم هجری) را بخواند و بفهمد.^۲

مسأله مهم دیگر، مفهوم «ایران» و «ایرانی» در آثار میراث مکتوب شیعه است و هرچا سخن از «ایران» به میان می‌آید، منظور حیطه فرهنگی ایران خواهد بود و نه حیطه جغرافیایی آن. براساس اولویت فرهنگ، می‌توان *دکترین دانشوران طب* را درباره تعلقات خود، به هریک از مبانی فرهنگی و تمدن‌ساز (در این مجموعه طب شیعه که ماهیتی برگرفته از آموزه‌های *اهل بیت (ع)* و *قرآن* دارد) را از ورای آراء و نوشته‌های آنان دریافت. مبارزه دائمی شیعیان با جبر زمانه و حاکمیت خلفای جائز، اقتضا می‌کرد تا برای حفظ کیان خویش، به نبرد دائمی و پنهان نگه داشتن مذهب خویش برای صیانت از جان خود مبادرت ورزند. به روایت دیگر، بحث در مورد *دانش طب شیعه*، بدون در نظر گرفتن مصائب سیاسی و رنج‌ها و سفرهای دائمی و فرساینده آنان، امکان‌پذیر نبوده است.

نکته بسیار مهم در بررسی تعلق فرهنگی دانشمندان ایرانی، توجه به زبان نگارش آثار آنان و به تعبیر دیگر، فارسی‌نویسی آنان است. اگرچه از قرن سوم هجری، در فرآیندی کاملاً پیوسته، آثار گوناگونی به زبان فارسی در رشته‌های گوناگون دانش تألیف شد، بی‌گمان نمی‌توان «فارسی‌نویسی» را فصل مشترک ایرانی بودن و یا ایرانی نبودن دانشمندان قرن‌های گذشته، به‌ویژه تا پیش از تشکیل دولت صفویه، به شمار آورد.

توجه به زبان عربی، در حکم زبان علم، و کانون‌های دانش و تولید علم در سراسر قلمرو اسلامی، از جمله کانون علمی بغداد تا اواخر قرن پنجم هجری که

۱- نیمه دوم قرن پنجم هجری.

۲- تلخیص بخشی از مقدمه نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران؛ دکتر علی اکبر ولایتی.

زبان رایج آنها عربی بوده است، ما را ناگزیر می‌سازد که بپذیریم، صرف تألیف آثار فرهیختگان و دانشوران به زبان عربی نمی‌تواند ملاک ایرانی بودن و ایرانی نبودن دانشمندان مورد نظر ما باشد. چه بسیار دانشمندانی که اصالت، منشأ، مولد، محل اقامت یا حتی مدفن آنان ایران بوده ولی اثری از آنان به زبان فارسی به دست نیامده است و البته نیز نمی‌توان آنان را به همین دلیل از جرگه دانشمندان ایرانی خارج ساخت. نمونه‌های بارز آن محمد زکریای رازی، ابوالوفای بوزجانی و فضل بن حاتم نیریزی، هر سه از قرن چهارم و پنجم هستند که اولی اهل ری و دیگر اهل خراسان و سومی اهل فارس بود. هر سه آنان در جوانی و میانسالی به کانون علمی بغداد مهاجرت کردند و همان جا به تولید علم پرداختند و البته از هیچ یک اثری به زبان فارسی باقی نمانده است جز برخی از آثار رازی، اما نمی‌توان آنان را از حریم جرگه فرهنگ ایرانی خارج کرد.

در پایان، ما بر این باوریم که نمی‌توان از کاوش‌ها، پژوهش‌ها و کوشش‌های دائمی و مداوم «عالمان شیعه» در راه اثبات وجود خویش به سهولت عبور نمود. این کوشش‌های فزاینده و پویا از همان ابتدای مرزبندی بین شیعه و سنی وجود داشته، اما در یک قرن گذشته وجود فضای لازم برای دفاع کردن از شیعه، مجال گسترده‌تری یافته است. شاید نقطه آغاز دفاع شیعیان از هویت خویش را بتوان پس از انتشار کتاب‌های *فجر الاسلام* احمد امین مصری و *آداب اللغة العربیه* جرجی زیدان، ادیب مسیحی و عربی، دانست. زیدان در این کتاب^۱ ادعا کرده است که نقش شیعه در تمدن اسلامی بسیار کوچک‌تر از آن بوده که تا آن زمان بدان پرداخته شده است. این اظهار فضل بر اندیشمندان شیعه گران آمد و سه تن از آنان، یعنی سید حسن صدر، محمد حسین کاشف الغطاء و آقا بزرگ طهرانی، به دفاع از حقانیت شیعه و رد این ادعای باطل جرجی زیدان پرداختند. نتیجه کوشش آقا بزرگ طهرانی

کتاب گران سنگ «الذریعة الى تصانیف الشیعه» (نردبانی به سوی نوشته‌های شیعه) است که گزارشی است کتاب شناختی و مستند از اهم متون مؤلفین شیعه در طول تاریخ.

کتاب «الذریعة» همانند کتاب «الغدير فی الکتاب و السنة و الادب»، کتابی که توسط یک مجتهد ایرانی عرصه پژوهش و اثبات حقانیت شیعه، و با تلاش‌های شبانه‌روزی جناب عبدالحسین امینی ملقب به علامه امینی^۱ به رشته تحریر درآمد، واقعه غدیر خم را در ادبیات عرب احیا کرد.

کتاب «الغدير» به زبان عربی و با استناد به منابع اهل سنت به زیور تحریر درآمد و در آن، استنادات مربوط به حقایق ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام با زبانی شیوا و روشن، تبیین شده است.

«الذریعة الى تصانیف الشیعه»، شاخص عالی‌ترین تألیفات شیعه در طول تاریخ است. این تألیفات ارزشمند چونان «طب شیعه»، میراث گرانبهای اسلام محمدی، همواره بر تارک تاریخ و تمدن بشری می‌درخشند. راهشان مستدام، نام و یادشان گرامی باد.

محقق دریایی

۱۸ ذی الحجة ۱۴۳۲

۲۴ آبان ماه ۱۳۹۰

* * *

۱- متولد ۱۳۲۰ ه.ق.